

مواجهه اخلاقی هیدگر با فناوری

سید محمد مهدی موسوی مهر *

DOI: 10.22096/ek.2026.2062377.1594

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۱/۳۱]

چکیده

با رشد نفوذ فناوری و ظهور اثرات آن در زندگی انسان، بررسی نسبت فناوری و اخلاق، اهمیت پیدا کرده است. هیدگر با تأمل وجودی درباره فناوری و با نگاه اخلاقی خاص خودش، متفاوت از شیوه رایج به این امر اقدام کرده است. در این مقاله با روش اسنادی و تحلیلی-توصیفی این مسئله دنبال می‌شود که اخلاق وجودی در تفکر هیدگر به چه معناست و چه مؤلفه‌هایی دارد. اساساً شاید به کارگیری اصطلاح اخلاق در مورد هیدگر چندان موجه نباشد، اما به طریقی می‌توان گفت که در نظر وی، اخلاق بیشتر نوعی تفکر معنوی و در چهارچوب تلقی وجودشناسانه و چیزی در مقابل تفکر حسابگرانه بوده است. در تفکر وجودی مؤلفه‌های اصالت، تفکر معنوی، وارستگی و شاعرانگی حضور دارند که ما را به برخوردی فعالانه با فناوری دعوت می‌کنند. اخلاق وجودی اجازه می‌دهد، فناوری در زندگی ما حضور یابد، اما ما را به سلطه خود درنیابورد که البته این نگاه متفاوت از مدیریت تبعات ناگوار فناوری مثلاً در زمینه‌های زیست‌محیطی است. تفسیر هیدگر توانسته امور غیرمادی را از غفلت اندیشه غربی روشن کند، اما این تفسیر، بیانگر نسبت فناوری و اخلاق به معنای عرفانی در نگاه دینی نیست.

واژگان کلیدی: هیدگر؛ فناوری؛ اخلاق هیدگر؛ اخلاق وجودی؛ تفکر معنوی؛ وارستگی؛ شاعرانگی.



۱. مقدمه

در دنیای امروز، فناوری همواره بیشتر نفوذ کرده و این رشد تا آن حد تأثیرگذار بوده که جهانی نو پدید آورده است و به تبع آن، رشد فناوری در زندگی بشر تا آن حد بوده که گویا انسان امروزی هم به شکلی متفاوت از گذشته است. در این بین، اخلاق انسانی همواره در جست‌وجوی نسبت جدید خود با فناوری است. نگاه‌های گوناگون کوشیده‌اند به تشریح و توضیح این نسبت بپردازند و البته تقریباً همه این نگاه‌ها در چهارچوب فهم کلاسیک از اخلاق بوده است. در این بین، هیدگر نگاهی متفاوت با دیدگاه کلاسیک داشته و آن را حدودی نفی کرده است.

روشن است از آنجاکه توجه هیدگر به فناوری، بسیار عمیق و تأثیرگذار بوده است، بررسی نسبت اخلاق و فناوری از دیدگاه او اهمیت می‌یابد. در بیان کلی می‌توان گفت هیدگر درگیر مفهوم هستی است و این نگاه اساساً جایی برای اخلاق سنتی باقی نمی‌گذارد و چه بسا بحث از اخلاق در تفکر هیدگر اصولاً معنادار نباشد، چراکه به نظر او، متافیزیک غربی، مقصر اصلی فراموشی هستی است و اخلاق نیز همچون منطق و شناخت، قربانی همین فراموشی است و اخلاقی که بر مبنای جوهر انسان به مثابه حیوان ناطق یا فاعل مختار سامان یافته است، گرفتار چهارچوب‌هایی است که اساساً خود هستی را مفروض نمی‌گیرند. با نظر به اهمیت دیدگاه هیدگر در فناوری و همچنین ضرورت بررسی اخلاق فناوری، مسئله اصلی این پژوهش آن است که بر مبنای تفکر وجودی، هیدگر چه مواجهه‌ای با اخلاق داشته است و مؤلفه‌های این مواجهه اخلاقی کدام‌اند.

سهم پژوهش حاضر، بررسی و تحلیل عناصر و مؤلفه‌های اخلاق وجودی هیدگر است. استخراج و تشریح ویژگی‌های تفکر اخلاقی هیدگر، که برخاسته از نگاه وجودی بوده و بتواند پایه گزار مواجهه اخلاقی با تکنولوژی باشد، مسئولیتی است که تاکنون دست کم در زبان فارسی به آن پرداخته نشده است و این مقاله تلاش می‌کند در حد توان خود به این موضوع بپردازد.

۱-۱. پیشینه موضوع

در بررسی پیشینه، آثاری که مستقیماً به تشریح و تبیین ویژگی‌های تفکر اخلاقی برخاسته از دیدگاه وجودی هیدگر باشد، مشاهده نشد، اما برخی موارد نزدیک به مسئله ذکر می‌شود.

محمدجواد توکلی و غلامحسین موحدی در مقاله «جایگاه اخلاق در اندیشه هیدگر و جایگاه هیدگر در فلسفه اخلاق»،^۱ تأکید می‌کنند که جایگاه اخلاق در اندیشه او بسیار مبهم و ناآشکار

۱. محمدجواد توکلی و غلامحسین موحدی، «جایگاه اخلاق در اندیشه هیدگر و جایگاه هیدگر در فلسفه اخلاق»، پژوهش‌های فلسفی (۱۳۹۲): ۱۲۳-۱۳۸.

است و این خود سبب شده است تفاسیر متفاوتی راجع به دیدگاه اخلاقی او مطرح شود. با این حال، می‌توان مباحثی مانند بحث از اصالت در آثار او یافت که جدای از اینکه به هستی‌شناسی و مسئله وجود می‌پردازند، جنبه ارزش‌گذارانه نیز دارند. مقاله درصدد است به دو پرسش اساسی پاسخ دهد: نخست اینکه اخلاق چه سهمی در اندیشه هیدگر دارد و هیدگر در فلسفه اخلاق چه جایگاهی دارد. ملاحظه می‌شود که این مقاله اخلاق را خارج از تفکر وجودی بررسی می‌کند.

در مقاله «تفکر معنوی در عصر گشتل» که توسط محمد بیدهندی، بیت‌الله ندرلو و محمدجواد صافیان^۲ سامان یافته، اشاره شده است که در عصر عسرت و غفلت از حقیقت وجود و به دلیل استیلای اراده معطوف به قدرت، از تفکر اصیل و نسبت اصیل با عالم بی‌بهره مانده‌ایم. در این مقاله می‌کوشد معنای تفکر معنوی و متذکرانه درباره حقیقت وجود را بیان کند و تأکید می‌کند که نقد ژوزف سی. پیت، مبنی بر منفعل و غیراصیل بودن رویکرد هیدگر به فناوری، حاصل نوعی بدفهمی از موضع هیدگر است. اگرچه در این تحقیق تفکر معنوی و مراقبتی مدنظر است، تمرکز مقاله بر رفع بدفهمی پیت از موضع هیدگر است.

مرتضی طباطبایی در مقاله «امکان استخراج اخلاق فناوری از اندیشه و عمل مارتین هیدگر»^۳ با بررسی برخی آثار هیدگر و نیم‌نگاهی به مواجهه شخصی‌اش با فناوری مدرن به این نتیجه رسیده است که هیدگر دیدگاه‌های ارزش‌دورانه بسیاری را هم درباره کلیت فناوری و هم در مورد برخی گونه‌های ویژه آن ارائه کرده است و بر این اساس ممکن و مقدور است که از دستگاه فکری او، نیایدها و بایدهایی برای مواجهه صحیح با فناوری استخراج شود؛ اما با تأکید بر نیایدها به این نتیجه رسیده است که اساساً هیدگر نظام اخلاقی ندارد و نهایتاً برخی آموزه‌های سلبی را مرکز توجه قرار داده است.

عباس یزدانی و مهدی پاک‌نهاد در مقاله «پرسش از نسبت اخلاق و دین در اندیشه هیدگر»^۴ کوشیده‌اند مسئله هیدگر با دین و اخلاق و مواضع او در مورد نسبت میان آنها را بررسی کنند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که هیدگر دین و اخلاق را در بستر کلان‌تر (سنت متافیزیکی) قرار می‌دهد و آن دو را به منزله پیامدهای موجوداندیشی متافیزیک غربی رد می‌کند. اگر منظور از اخلاق، طرح یک «فلسفه نظام‌مند و ارزش‌مدار اخلاقی» و ارائه معیاری برای تعیین خیر و شر

۲. محمد بیدهندی، بیت‌الله ندرلو، و محمدجواد صافیان، «تفکر معنوی در عصر گشتل»، روش‌شناسی علوم انسانی، شماره ۹۹ (تابستان ۱۳۹۸): ۵۷-۷۲.

۳. مرتضی طباطبایی، «امکان استخراج اخلاق فناوری از اندیشه و عمل مارتین هیدگر»، فصلنامه اخلاق، شماره ۲۰ (زمستان ۱۳۹۴): ۲۷۹-۳۰۹.

۴. عباس یزدانی و مهدی پاک‌نهاد، «پرسش از نسبت اخلاق و دین در اندیشه هیدگر»، جستارهای فلسفه دین ۴، شماره اول (بهار و تابستان ۱۳۹۴): ۳۹-۵۶.

باشد، هیدگر را نمی‌توان فیلسوف اخلاق دانست، اما چنانچه تعبیر از اخلاق، اتخاذ نوعی موضع عملی در قبال انتخاب‌های بشری و شیوه‌ای از رفتار انسانی مبتنی بر حقیقت و صدق و اصالت باشد، آنگاه هیدگر بی‌شک، مواضع اخلاقی دارد.

همانطور که ملاحظه شد در موارد ذکر شده اگرچه تفکر وجودی و حتی نگاه مراقبتی هیدگر تا حدودی مدنظر بوده است، هرگز درصدد استخراج و تشریح ویژگی‌های تفکر اخلاقی که برخاسته از نگاه مراقبتی بوده و بتواند پایه‌گذار نظام اخلاقی باشد، نبوده است. مقاله بر آن است که تا حد امکان و بضاعت چنین مهمی را به انجام برساند.

۱-۲. روش تحقیق

در این پژوهش از روش اسنادی و مطالعات تحلیلی-توصیفی استفاده شده و بازخوانی آثار هیدگر و مطالعات انتقادی اخیر درباره مواجهه اخلاقی او با فناوری صورت گرفته است. با تحلیل دقیق مفاهیم موجود در نوشته‌های هیدگر به‌ویژه در زمینه فلسفه فناوری و اخلاق سعی در استخراج نکات کلیدی و برقراری ارتباط میان آنها با مفاهیم اخلاقی معاصر دارد. روش مزبور به ما این امکان را می‌دهد که نگاه هیدگر را در زمینه فناوری و اخلاق به‌طور جامع بررسی کنیم. منابع اصلی شامل ترجمه‌های فارسی آثار کلیدی هیدگر به‌ویژه پرسش از فناوری، وارستگی و راه‌های جنگلی است و علاوه بر این، مقالات پژوهشی فارسی و انگلیسی که موضوع اخلاق در اندیشه هیدگر را بررسی می‌کنند، بررسی می‌شود.

۲. یافته‌های تحقیق

در این بخش، نتایج بررسی‌های صورت‌گرفته ذیل پنج عنوان بررسی می‌شود. ابتدا به نقدهای هیدگر بر نظام اخلاق کلاسیک پرداخته می‌شود. سپس ضمن تشریح سه آموزه تفکر معنوی، وارستگی و شاعرانگی به تبیین نظام اخلاقی وجودی هیدگر پرداخته و در نهایت تفسیرها و نقدهای وارده بر نظام اخلاقی وجودی هیدگر بررسی می‌گردد.

۱-۲. نقد هیدگر بر اخلاق کلاسیک و حرکت به سوی اخلاق وجودی

هیدگر براساس نقدهایی که بر نظام‌های اخلاقی سنتی دارد به نقد دستگاه اخلاق سنتی می‌پردازد و خود نوعی اخلاق وجودی را پایه‌گذاری می‌کند که دست‌کم دو ویژگی متمایز دارد:

۱-۲-۱. کنش اصیل اخلاقی و بی‌نیازی به دستگاه اخلاقی

با نظر به محتوا و مؤلفه‌های اندیشه هیدگر می‌توان گفت که اگرچه اخلاق به وجهی در تفکر او حضور دارد، برخلاف تصور رایج، کنش اخلاقی لزوماً نیازمند دستگاه اخلاقی نیست. کنش

اصیل، خود می‌تواند اخلاقی باشد، زیرا برخاسته از توجه به هستی، به خویش و به دیگری است، حتی اگر نام «اخلاق» بر آن نهاده نشود. در این نگاه، اخلاق بدون اخلاق امکان‌پذیر می‌شود؛ به این معنا که فرد می‌تواند مسئول، پاسخگو و تصمیم‌گیرنده باشد، بدون آنکه از نظامی اخلاقی تبعیت کند. هیدگر درهای تازه‌ای برای تأملی اخلاقی گشوده است که از دل تجربه وجودی انسان و نسبت او با هستی برمی‌خیزد. از این منظر، می‌توان گفت اخلاق در دستگاه فکری هیدگر نه نظامی دستوری، بلکه نوعی گشودگی به حقیقت وجود است؛ گشودگی‌ای که دازاین را با امکان‌های اصیل خویش روبه‌رو می‌کند.^۵

کنش اصیل، خود می‌تواند اخلاقی باشد، زیرا برخاسته از توجه به هستی و به خویش است، حتی اگر نام «اخلاق» بر آن نهاده نشود. بنابراین، هیدگر اخلاق را نه طرد می‌کند نه تأسیس، بلکه آن را به سطحی وجودی منتقل می‌کند، جایی که فرد در سکوت هستی، مسئول خود و امکان‌های خویش است. این رویکرد، مسیر تازه‌ای در تفکر اخلاقی معاصر گشوده است که بیش از آنکه بر قواعد تأکید داشته باشد بر شیوه بودن انسان تمرکز دارد.

۲-۱-۲. گشودگی و اصالت مبنای کنش اخلاقی وجودی

هیدگر با استفاده از مفهوم «دازاین» می‌کوشد انسان را نه براساس تعاریف مفهومی، بلکه براساس شیوه خاص بودنش بفهمد. در این رویکرد، اخلاق تبدیل به نوعی پاسخگویی اگزستانسیال به حقیقت وجود می‌شود و پیروی از هنجارهایی عقلانی یا قراردادی موضوعیتی ندارد.

در تحلیل اگزستانسیال هیدگر، اصالت، جایگزین نیک‌بودن در اخلاق سنتی می‌شود. دازاین اصیل، موجودی است که از روزمرگی و زندگی غیراصیل فاصله گرفته و از مرگ، محدودیت و امکان‌های خود آگاه است. او در این گشودگی، می‌تواند تصمیم بگیرد و براساس این تصمیم، زندگی خود را شکل دهد. تصمیم اخلاقی در اینجا، نه انتخاب بر پایه قوانین از پیش‌داده، بلکه پاسخ به وضعیت اگزستانسیال خاص خویش است. اصالت با «در جهان بودن» گره خورده است. دازاین اصیل، کسی است که موقعیت خاص خود را درک کرده و براساس آن عمل می‌کند و بر مبنای کلی‌گویی‌های اخلاقی یا هنجارهای قراردادی رفتار نمی‌کند. این عمل برآمده از قانون یا وجدان اخلاقی نیست، بلکه ناشی از خودفهمی وجودی عمیق است.^۶ انسان فقط در صورت گشودگی به حقیقت هستی، می‌تواند در مقام پاسدار این حقیقت ظاهر شود. به بیان دیگر، فراخوان

5. James Reid, *Heidegger's Moral Ontology* (Cambridge: Cambridge University Press, 2018), 625-620.

6. چارلز بی گینیون، اخلاق اصالت هیدگر، ترجمه جلیل یعقوب اف (تهران: نامه فرهنگ، ۱۳۸۳)، ۷۳-۷۵.

وجود، دازاین را دعوت می‌کند تا از خویش عبور کند و از بودن اصیل آگاه شود. این پاسخ به ندای وجود، همان چیزی است که می‌توان آن را ریشه اخلاق در اندیشه هیدگر دانست.

در این معنا اخلاق نه اطاعت از قانون، بلکه پاسخی است به چیزی پیشاساختاری‌تر و بنیادین‌تر. پاسخی است به صدای خاموش هستی است و دازاین در مواجهه با این فراخوان، می‌تواند در سکوت و سکون پنهان شود یا آن را به گونه‌ای اصیل بپذیرد. پذیرش اصیل این فراخوان، لحظه‌ای اخلاقی است، هرچند فاقد قالب‌های مرسوم اخلاقی است.

۲-۲. تفکر معنوی مبنای نظری مواجهه اخلاقی با فناوری

پس از توضیح زمینه و چهارچوبی که در آن هیدگر به اخلاق توجه می‌کند و بیان و مراد وی از اخلاق به تعریف او از اخلاق در بستر مفهوم کلیدی تفکر معنوی، که جنبه نظری اخلاق وجودی هیدگر است، می‌پردازیم.

۲-۲-۱. مفهوم تفکر معنوی

نخست باید دید مراد هیدگر از تفکر معنوی چیست. هیدگر مدعی است که تفکر معنوی، تفکر صحیح و اصیل است و با آنچه امروزه به مثابه تفکر شناخته می‌شود، متفاوت است. او طرز تفکر بشر امروزی را نه تنها مقبول نمی‌داند، بلکه اساساً خارج از چهارچوب اندیشه و تفکر تلقی کرده است و حتی می‌توان گفت که آن را ضد اندیشه و تفکر می‌داند؛ چراکه بشر امروز از تفکر گریزان است و همین گریز از تفکر، مبدأ بی‌فکری اوست. حتی انسان امروز مایل نیست همین بی‌فکری خود را ببیند و بپذیرد. البته شاید وقتی این را به انسان امروزی بگویم، او انکار کند و پاسخ دهد که در هیچ زمانی مانند دوره معاصر چنین طرح‌ها و برنامه‌های دور و دراز و چنین تحقیقات فراوان در بسیاری از زمینه‌ها و چنین جست‌وجوهای پرشوری وجود نداشته است؛ اما او در پاسخ می‌گوید که اندیشیدن بشر امروزی نوع خاصی از تفکر نازل و غیراصیل است.

وضعیت بشر امروز، استغراق در تفکر آماری است. بشر امروز هم فربه و هم رنجور است؛ در تفکر آماری، فربه و در تفکر معنوی، رنجور است. البته آدمی باید از هر دو گونه تفکر بهره گیرد؛ اما انسان تکنیک‌زده تفکر حسابگر را برگزیده و تفکر معنوی را رها کرده است.^۷ به یک معنا تفکر معنوی، تفکر و اندیشه در ذات تکنیک و درک ذات آن است. انسان با تلاش و تفکر خویش می‌تواند با آن مواجهه درستی داشته باشد. آزادی او در صورتی حاصل خواهد شد که تقدیر را از آن خود کند؛ به این معنا که گوهر تعیین‌کننده و آنچه او را به اسارت درآورده است به خوبی درک کند.

۷. مارتین هیدگر، خطابه یادبود، ترجمه محمدرضا جوزی (قم: نشریه معارف، ۱۳۶۵)، ۱۲۱.

۲-۲-۲. تفاوت تفکر معنوی و تکنیکی

در مقابل تفکر معنوی، تفکر تکنیکی است؛ چنین تفکری از این واقعیت ناشی می‌شود که اندیشه هنگام برنامه‌ریزی، تحقیق و سازماندهی، همواره متکی به شرایطی است که از پیش برای خود تعیین کرده است و این شرایط را با اغراض حساب‌شده متناسب با فواید عملی خاصی که از آنها توقع دارد، مورد نظر قرار می‌دهد و بنابراین می‌تواند به نتایج معینی هم تکیه کند. این وضعیت با مبنای وجودشناسی هیدگر سازگاری ندارد و به همین دلیل است که وی با جسارت تمام به خود اجازه می‌دهد که بشر امروزی را نه تنها فاقد تفکر واقعی که حتی گریزان از تفکر نیز بداند.

هیدگر این مطلب را با توجه به مصادیق و جلوه‌های فناوری بیشتر توضیح می‌دهد. آنچه امروزه مثلاً فناوری سینما و تلویزیون، فناوری حمل و نقل خصوصاً حمل و نقل هوایی، فناوری ارتباطات و همچنین پزشکی و تغذیه می‌شناسیم، احتمالاً فقط شروع اولیه و مقدماتی است و هیچ کس نمی‌تواند تغییرات ژرفی را که در شرف وقوع است، پیش‌بینی کند؛ چراکه احتمالاً بسط فناوری با شتاب بیشتر ادامه خواهد یافت و هرگز هم متوقف نخواهد شد. از فناوری، گریزی نیست و مظاهر فناوری را نمی‌توان کنار گذاشت و البته وی چندان هم مظاهر فناوری را تهدید نمی‌داند؛ نکته مهم برای او، فهم فناوری و کسب آمادگی لازم برای مواجهه با این مظاهر است.^۸

توجه به این بیان هیدگر، علاوه بر اینکه نشانگر تیزی اوست، بیانگر دغدغه اصلی او نیز هست. این مظاهر و جلوه‌ها برای او مسئله نیست، بلکه مسئله او تغییراتی عمیق‌تر و عموماً در نسبت با شرایط جدیدی است که برای اخلاق انسان جدید پدید می‌آید. نگرانی اصلی این است که آدمی در برابر تفکر حساب‌گرانه صرف با جدایی از تفکر معنوی و هضم شدن در فناوری جدید، جزء فناوری شود و اندیشه و عمل او خصوصیات تکنیکی یابد و دیگر قادر به اندیشه درست و واقعی نباشد.

در این شرایط است که ما با تفکری تک‌خطه (das eingeleistige Denken) روبه‌رو هستیم که مرتباً گسترش می‌یابد و صورت‌های گوناگون به خود می‌گیرد که البته یکی از همین صورت‌های نازل و شاید هم مهم‌ترین جلوه آن، سلطه ذات تکنیک است و خواهان دلالت انحصاری و نامشروط و بی‌ابهام است.^۹ در این شرایط انسان را به کام خود فرومی‌کشد و از هرگونه توجه انسانی به صورت‌های دیگر اندیشه و تفکر، ممانعت به عمل می‌آورد. به این ترتیب اخلاق تکنیکی عبارت خواهد بود از تصویری ماتقدم یا ربطی تصورگونه در راستای حقیقت متصور

۸. ریشارد ویسر، «گفتگو با مارتین هیدگر»، ترجمه شرف‌الدین خراسانی، در: بخارا (تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸)، ۶۶.

۹. مارتین هیدگر، چه باشد آنچه خوانندش تفکر، ترجمه سیاوش جمادی (تهران: انتشارات ققنوس: ۱۴۰۱)، ۱۱۲.

(Idea alsperceptio). تصور در اینجا آن است که انسان توسط خود، چیزی را در برابر خویش بنهد و آن امر قرار یافته را به عنوان آنچه هست، قیمت بخشد که این قیمت بخشیدن همان محاسبه‌گری است.^{۱۰}

او تا آنجا بر این باور خود پافشاری می‌کند که علاوه بر اهل علم، حتی فلاسفه‌ای مانند نیچه و اسپنکالر را هم از گزند حمله‌های خود در امان نمی‌گذارد و آنها را هم متهم به انتخاب تفکر تک خطه می‌کند^{۱۱} و شاید در این شرایط فقط خود را در جایگاه شایسته‌ای تصور می‌کند که به شیوه درست تفکر دست یافته است.

۲-۲-۳. ویژگی‌های تفکر معنوی هیدگر

نگاه هیدگر به تفکر معنوی، سهل ممتنع است. گاهی آن را به همین سادگی که ذکر شد، تصور می‌کند، اما گاهی برای آن مقدمات و شرایطی در نظر می‌گیرد که بسیار دشوار و دور از دسترس جلوه می‌کند. همچنین هیدگر تنها به تأمل نظری، که در مبانی علمی جدید نهادینه شده است، اکتفا نمی‌کند و علاوه بر جنبه نظری، جنبه عملی را هم در نظر دارد و اساساً با توجه به بهره‌ای که مبنای هستی‌شناسی او از پدیدارشناسی دارد، هستی را در ارتباط با عالم تصور می‌کند و همین مسئله بر غنای دیدگاه او می‌افزاید.

لازمه دستیابی به تفکر معنوی جد و جهد فراوان است و نیاز به ریاضت دارد و حتی بیش از هر فن دیگری محتاج دقت و ظرافت است؛ اما در عین حال باید قادر به تحمل زمان و رسیدن هنگام آن هم بود. با این حال هرکسی می‌تواند راه تفکر معنوی را به شیوه خود و در حد خود دنبال کند، زیرا انسان یک متفکر است. بنابراین، تفکر معنوی به هیچ وجه محتاج بلندپروازی نیست، بلکه کافی است تا در آنچه از هر چیز به ما نزدیک‌تر است و ما نزدیک‌تر به آنیم، بیندیشیم؛ یعنی در آنچه با همه ما رابطه و نسبت دارد اینجا و اکنون، اینجا در همین نقطه از زمین و اکنون در همین ساعت حاضر تاریخ بیندیشیم.^{۱۲}

نهایتاً در این شرایط است که این نوع تفکر به ثمر رساننده نسبت وجود با ذات آدمی می‌شود و البته مثل همیشه نباید فراموش کنیم که وقتی سخن از نسبت انسان با وجود به میان می‌آید، هرگز انسان متفکر، مبدع این نسبت نیست، بلکه تفکر معنوی این نسبت را فقط

۱۰. مارتین هیدگر، «عصر تصویر جهان»، در: راه‌های جنگلی، ترجمه منوچهر اسدی (تهران: انتشارات درج، ۱۳۷۸)، ۱۲۹.

۱۱. مارتین هیدگر، معنای تفکر چیست؟، ترجمه فرهاد سلیمانیان (تهران: نشر مرکز، ۱۴۰۱)، ۳۵.

۱۲. مارتین هیدگر، «وارستگی: گفتاری در تفکر معنوی»، در: فلسفه و بحران غرب، ترجمه محمدرضا جوزی (تهران: انتشارات هرمس، ۱۳۹۳)، ۱۲۲.

به منزله امری که از وجود به خود او اعطا گشته است به وجود، عرضه می‌کند؛ به نحوی که وجود در تفکر به زبان می‌آید. توجه دائمی به این واقعیت در فناوری، باعث خواهد شد که انسان خویشتن را در حوزه آنچه خود را از او پنهان کرده است و پنهان شدنش نیز ناشی از تقرب و نزدیکی به اوست، بیابد.

براساس آنچه گفته شد می‌توان خصوصیات دیدگاه نظری هیدگر درباره تفکر معنوی را اینگونه برشمرد:

۱. تفکر معنوی متفاوت از تفکر تکنیکی امروزی است که اتکای شدیدی بر آمار، محاسبات عددی و روش‌های تجربی پوزیتیویستی دارد.
۲. تفکر معنوی، اندیشه‌ای تک‌جانبه و تک‌خطه نیست، بلکه همه ابعاد شناختی انسان را دربرمی‌گیرد.
۳. تفکر معنوی به دنبال اندیشه در ذات تکنیک و درک ماهیت آن است و این امر برای او مهم‌تر از بررسی ظواهر امور فناورانه است.
۴. برخلاف تفکر تکنیکی، تفکر معنوی شرایط را از پیش تعیین نمی‌کند و نتایج را متناسب با فواید عملی بر اندیشه تحمیل نمی‌کند، بلکه از عنصر انکشاف که معنای درست تفکر است، بهره می‌گیرد.
۵. تفکر معنوی به مقابله و نفی مظاهر فناوری نمی‌پردازد، بلکه به دنبال ایجاد آمادگی در مواجهه با این مظاهر و سلوک درست با این مظاهر است.
۶. تفکر معنوی از هضم شدن انسان در تکنیک جلوگیری می‌کند و قدرت سلطه‌گری آن را متذکر می‌شود.
۷. تفکر معنوی امری ساده و در دسترس است و هرکسی به شیوه خود قادر است که به آن دست یابد.
۸. تفکر معنوی هر چند از جنس تأمل نظری است، واجد جنبه‌های عینی و عملی زندگی نیز هست.
۹. رسیدن به تفکر معنوی، مستلزم جد و جهد فراوان است، اما درعین حال محتاج بلندیروازی نیست و باید منتظر رسیدن زمان وقوع این نوع از اخلاق ماند.
۱۰. نقطه آغاز تفکر معنوی از همان نقطه انحراف و تغییری است که در نسبت انسان با طبیعت حاصل شده است.
۱۱. انسان مبدع و پدیدآورنده تفکر معنوی نیست، بلکه تفکر معنوی از سوی وجود به او قابل اعطا است.

۲-۳. وارستگی (releasement) به مثابه شیوه عملی مواجهه با فناوری

از آنچه تاکنون گفته شد می‌توان فهمید که تفکر معنوی، مبنای صحیحی برای مواجهه با فناوری است و البته تحقق تفکر معنوی برای انسان مدرن، ممکن است. بهره‌گیری از تفکر معنوی برای ما روشن می‌کند که مجبور نیستیم چهارچوب فناوری را کورکورانه بپذیریم و البته در مواجهه با فناوری باید راهی غیر از تصور فناوری به مثابه امر شیطانی برگزینیم، بلکه باید برای مواجهه با فناوری از بطن تجربه فناوریانه و با تلاش در فهم بهتر آن به دنبال راهی متفاوت از گذشته باشیم.

۲-۳-۱. پذیرش فناوری در عین وابسته نبودن به آن

در بهره‌گیری از تفکر معنوی، توجه به این نکته لازم است که ادوات، ابزارآلات و ماشین‌آلات صنعتی کم و بیش چیزهایی ضروری‌اند. احمقانه است که کورکورانه به فناوری حمله کنیم. ما وابسته به اسباب صنعتی هستیم و حتی آنها برای پیشرفت‌های بیشتر با ما در مواجهه دائم هستند؛ اما از طرف دیگر نادانسته آنچنان خود را به سختی پایبند این ابزار فنی کرده‌ایم که به اسارت آنها درآمده‌ایم. به همین دلیل وضع آدمی در تکنیک سیاره‌ای چون بلیه‌ای نافرجام و محتوم نیست، بلکه وظیفه تفکر درست در این است که در حوزه خود پامردی کند تا آدمی اساساً به یافتن رابطه‌ای متناسب با ذات تکنیک قادر شود.^{۱۳} ما می‌توانیم هم بهره‌گیری ضروری از ابزار صنعتی را اثبات کنیم و هم حق سلطه آن را بر خود و نیز تغییر و تخریب و اتلاف و دست‌اندازی به طبیعت را نفی کنیم.

اما این پرسش پیش خواهد آمد که آیا اینگونه آری و نه گفتن به اسباب صنعتی رابطه ما را با فناوری ناپایدار و نامطمئن نخواهد کرد؛ هیدگر پاسخ می‌گوید که هرگز، بلکه ارتباط ما با فناوری به طرز شگفت‌انگیزی ساده و راحت خواهد شد. «اجازه خواهیم داد که فناوری در زندگی روزانه ما وارد شود و درعین حال بیرونش خواهیم گذاشت. درست مانند چیزهایی که مطلق نیستند و وابسته به اموری والاتر از خود هستند».^{۱۴}

۲-۳-۲. مفهوم وارستگی

نحوه مواجهه با فناوری که مستلزم هم آری و هم نه گفتن است با یک کلمه قدیمی تعبیر می‌شود و آن را وارستگی (Gelassenheit) از اشیا می‌نامد. این وارستگی بیش از آنکه مفهومی مقرون به سلوک شبه‌عرفانی باشد، بیشتر نوعی آمادگی برای انکشاف است و به اصطلاح خود هیدگر «فتوح از برای راز» است و در نظر او این دو مفهوم ملازم یکدیگرند. وارستگی از اشیا و فتوح از برای راز، بینش و

۱۳. مارتین هیدگر، تفکری دیگر، ترجمه محمد مددیور (تهران: انتشارات مرکز مطالعات شرقی فرهنگ و هنر، ۱۳۷۴)، ۹۷.

۱۴. مارتین هیدگر، خطابه یادبود، ۱۲۷.

بصیرت جدیدی در مورد ریشه‌دار بودن زمین به ما می‌دهد که روزی حتی ممکن است برای بازیافتن اصالت قدیم به صورت دیگر، که اکنون به سرعت در شرف از دست رفتن است، مفید و مناسب باشد.^{۱۵}

در وارستگی از اشیا، سخن از پارسایی تفکر است که هیدگر آن را تفکری دیگر می‌نامد؛ یعنی این جنبه رفتاری براساس نوعی نگرش و اندیشه نظری، که همان تفکر معنوی پیش‌گفته است، صورت می‌گیرد. شاخصه مهم این وارستگی، پرسشگری است و در این دیدگاه به وضوح اهمیت پرسشگری را ملاحظه می‌کنیم. آنچه در مواجهه با فناوری بیش از هر چیزی اهمیت دارد پرسش کردن و پرسش‌های بنیادین است و اساساً پارسایی تفکر هم همین پرسش کردن بنیادین است. پرسش کردنی که امکان نامستوری را پیش روی ما قرار می‌دهد.

مهم‌ترین تفاوتی که رویکرد هیدگر در مواجهه با فناوری دارد، این است که وارستگی رویکردی فعالانه است. در این رویکرد، امور گوناگون را دیگر به عنوان منبع ملاحظه نمی‌کنیم، بلکه آنها را دارای جهان می‌بینیم. در ارتباطی ساده با تکنیک اجازه می‌دهیم که آنها به جهان ما وارد شوند، اما اموری مطلق نباشند. انسان در این وضعیت، نوعی انفتاح به هستی دارد که همین مسئله او را از اسارت در برابر فناوری نجات می‌دهد.

به نظر تیلیش، شعار اصلی فناوری این است که زندگی کنیم تا زیستن را ممکن سازیم و از این رو فناوری نه تنها با تفکر معنوی ناسازگار نیست، بلکه در چهارچوب آن واقع شده است؛ اما هیدگر متوجه است که با قبول این هدف محدود و دوری، پرسش هدف غایی از مرکز آگاهی محو می‌شود.^{۱۶}

نکته مهمی در اندیشه هیدگر وجود دارد که حتی شاید بزرگانی مانند پل تیلیش هم به آن توجه کافی نداشته‌اند، دعوت هیدگر به تفکر در مورد فناوری و وارستگی از اشیا، هشدار اخلاقی به معنای کلاسیک آن یا اتخاذ موضع مدیریتی مناسب نیست و اساساً اگر چنین برداشتی از سخنان هیدگر داشته باشیم چه بسا آن پاسخ معرفی را که به هیدگر منتسب است، دریافت کنیم که «هیدگر را با اخلاق چه کار؟»، بلکه مسئله هیدگر عمیق‌تر است و او متوجه «غفلت از وجود» است. بنابراین، بسیاری از دیدگاه‌ها که دغدغه هیدگر را صرفاً نوعی توصیه در راه بهره‌گیری از فناوری و آسیب نرساندن آن تصور می‌کنند، از بنیاد اندیشه هیدگر غفلت کرده‌اند.

مک ورتز این نکته را به خوبی تبیین کرده است؛ در واقع علم اخلاق در غرب، اهداف و غایات علوم فنی و مهندسی را در نظر دارد و دنبال می‌کند؛ بنابراین «وقتی در برابر مشکلاتی نظیر بحران‌های

۱۵. هیدگر، تفکر معنوی، ۱۲۹-۱۳۰.

۱۶. ریچارد برنشتاین، «تکنولوژی و منش اخلاقی»، ترجمه یوسف اباذری، ارغنون (تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۹۴)، ۱۰۵.

اکولوژیکی با ابراز احساس گناه به سبک غربی واکنش نشان می‌دهیم، هرگز نخواهیم توانست با تفکر فناورانه و نتایج زشت و نکبت‌بار آن مبارزه کنیم، بلکه برعکس صرفاً، فناوری مدیریت و کنترل همه‌جانبه را تقویت می‌کنیم^{۱۷}. به عبارت دیگر، توجه به توصیه‌های اخلاقی که خود ثمره تفکر فناورانه است - در کنار سیطره تکنیک و هجوم وحشیانه فناورانه به طبیعت و انسان و غفلت از اصل وجود - نه تنها مدنظر هیدگر نیست، بلکه او این وضعیت را تسلط بیش از پیش فناوری می‌داند.

۲-۳-۳. برداشت بدبینانه از دیدگاه هیدگر

آنچه تاکنون در بهره‌گیری هیدگر از اخلاق معنوی در مواجهه با تکنیک گفته شد، عموماً نگاهی مثبت و خوش‌بینانه در مواجهه با فناوری است که البته چنین برداشتی درباره هیدگر به طریق ثواب نزدیک‌تر است؛ اما در برخی اظهارات، نشانه‌هایی از ناامیدی او در یافتن راهی برای نجات را می‌توان مشاهده کرد. او در مصاحبه با مجله اشپیگل بیان می‌کند راهی برای تغییر بی‌واسطه وضع کنونی جهان نمی‌شناسد، مشروط بر اینکه یافتن چنین راهی اصولاً برای آدمی میسر باشد؛ اما به نظر می‌رسد تفکری که بدان مبادرت می‌شود به هر حال می‌تواند آن آمادگی نام‌برده را برانگیزد و روشن و استوار کند. همانطور که از ظاهر این سخن بر می‌آید، هیدگر در امکان وجود داشتن راهی برای انسان در تردید است؛ اما در هر حال، بهره‌گیری از اخلاق معنوی را در این صورت نیز پیشنهاد می‌دهد. حتی در آنجا هم این نکته مدنظر او بوده است که ما مقهور فناوری نیستیم، بلکه راه مقابله با آن را هنوز نیافته‌ایم^{۱۸}. شاید بتوان این دو دیدگاه را اینگونه با هم جمع کرد که هیدگر از امکان مواجهه درست با تکنیک ناامید نیست و به دنبال راه درست مقابله با آن گشته است و روش وارستگی و شاعرانه را یافته است، اما این وارستگی و شاعری هنوز به سامان نرسیده است و بنابراین باید در راه دستیابی به آن، تلاش کرد.

۲-۴. شاعرانگی راه دستیابی به اخلاق وجودی

اگرچه هیدگر از اندیشه و تفکر رایج ابراز یأس و دل‌سردی می‌کند و این گفته مشهور را در مصاحبه با مجله اشپیگل به زبان می‌آورد که «تتها خدایی است که می‌تواند ما را نجات بخشد»^{۱۹}، در عین حال معتقد است که راه مفری برای ما وجود دارد که همان توجه به شاعرانگی است تا بتوانیم آمادگی خود را کسب کنیم که این نکته در واقع وجه ممیز هیدگر از نیچه است.

۱۷. مک ورتز، «گناه تکنولوژی مدیریت: دعوت هیدگر به تفکر»، در: فلسفه و بحران غرب، ترجمه محمدرضا جوزی (تهران: انتشارات هرمس، ۱۳۹۳)، ۱۷۵.

۱۸. هیدگر، تفکری دیگر، ۹۵.

۱۹. این جمله، عنوان مصاحبه مجله اشپیگل با هیدگر در شماره ۲۳، ۳۱، ماه مه ۱۹۷۶ است. این گفت‌وگو در سال ۱۹۶۶ صورت گرفته است. خواست مارتین هیدگر این بود که «گفت‌وگو» پس از مرگ او منتشر شود.

۲-۴-۱. جایگاه زبان در دست یافتن به شاعرانگی اخلاق وجودی

تفکر با زبان و شاعری، خویشاوندی نزدیکی دارد و تفکر و شاعری به طور تعیین کننده‌ای در حوزه زبان حرکت می‌کنند و آثار آنها طبیعتی زبانی دارند. شاعران، افرادی ویژه‌ای هستند که با سرودن، هر چیز را در جای خود قرار می‌دهند. سرودن که اختصاصاً بیانگر دازاین دارای عالم است، برخاسته از امر قدسی است که رابطه‌ای ناب و معنایی کامل را بازگو می‌کند. شعرسرایی نه بافتن دلخواهی پندارهاست و نه به هم دوختن تصورات محض و تخیلات غیرواقعی است؛ بنابراین نباید شعر را به معنای اصطلاحی و دربردارنده مضمون پنداری و تخیلی به حساب آورد، بلکه باید به منزله آشکارسازی هستی تلقی کرد. در این حالت است که امکان بهره‌گیری مناسب از شعر برای ما وجود خواهد داشت. شاعرانگی در پرتو فهم متفاوتی از وجود و در نظر گرفتن مؤلفه‌های متفاوتی نسبت به اخلاق کلاسیک قابل تصور است. در این بین، زبان نقش ممتازی دارد.

هیدگر هم به تفکر یونانی دل بسته بود و هم برای زبان جایگاه یگانه‌ای قائل بود؛ پس طبیعی است که به ما بگوید چون «زبان آلمانی با زبان یونانی قرابت و خویشاوندی دارد» مرکز توجه اوست. در این میان حتی به فرانسوی‌ها هم طعنه می‌زند که آنها زبان اندیشه ندارند و هر وقت بخواهند اندیشه کنند، باید به زبان آلمانی سخن بگویند. در نظر او آمریکایی‌ها هم هنوز گرفتار پراگماتیسم و پوزیتیویسم هستند، هرچند تلاش‌هایی برای رهایی از اندیشه تکنیکی دارند. در نهایت، هیدگر پس از آلمانی‌ها بیش از همه به روس‌ها و چینی‌ها امیدوار است که بتوانند با بهره‌گیری از سنت‌های فکری خود، راه را برای آدمی بگشایند.^{۲۰}

۲-۴-۲. امور چهارگانه اخلاق معنوی

شاعرانگی برخاسته از زبان، زمانی محقق می‌شود که در وحدت ازلی با امور چهارگانه اتفاق بیفتد. هیدگر با طرح مفاهیم چهارگانه زمین، آسمان، خدایان و فانیان سخن از وحدت ازلی این چهار وجه می‌کند که باید امر واحدی را تشکیل دهند. حفظ و حراست از این وحدت همان ذات اصیل سکونت است که در صورت تحقق شرایط، رویارویی با هستی پدید می‌آید و تفکر معنوی اتفاق می‌افتد، اما در شرایط تکنیکی، این سکونت از بین می‌رود.

گویا در دوران تکنیک، بشر بی‌موطن است. هیدگر با مثال‌هایی که از شرایط محل زندگی و همچنین صنعت حمل و نقل در دوران جدید می‌زند، این معنا را روشن‌تر بیان می‌کند. در کتاب

۲۰. هیدگر، تفکری دیگر، ۹۸-۱۰۲.

منشاء اثر هنری، آسیب‌هایی را که توسط فناوری برای موارد چهارگانه زمین، آسمان، فانیان و خدایان پدید آمده بر شمرده است. خطر تکنیک برای زمین را این دانسته شده که زمین را از حالت خاص خودش خارج می‌کند؛ به این طریق که آن را در همه جا و همیشه دسترس‌پذیر می‌کند. اشکال فناورانه حمل و نقل، فاصله‌ها و غرابت‌ها را از بین می‌برد به نحوی که ما نمی‌توانیم به خاص بودن آنچه در اطراف ماست، توجه کنیم.

خطر فناوری برای آسمان را در از بین رفتن تفاوت شب و روز، تابستان و زمستان، هوای خشک و نم‌دار و... ملاحظه می‌کند. ابزار تکنیکی مانند الکتریسیته و روشنایی، تأسیسات سرماساز و گرماساز و تهویه مطبوع مواردی از زمینه‌سازی برای چنین خطراتی برای آسمان هستند.

خطر فناوری برای فانیان- که عموماً همان جاودانگی وجود انسانی- مدنظر است، پدید آوردن انواع خاصی از آسایش و انعطاف است. دسترسی به خواسته‌ها (availability on demand) در زندگی، امری می‌شود که قابل بهبود است. مصداق این مورد را امکانات رفاهی گوناگونی می‌توان ذکر کرد که در خدمت افزایش طول عمر انسان‌ها فعالیت می‌کنند؛ اما مهم‌تر از همه اینکه فناوری برای خدایان هم خطراتی را ایجاد می‌کند. اگر هر چیز به منزله منبع باشد، پس هر چیزی صرفاً امری خواهد بود که قابل نظم و استخراج (exploited) است و در این صورت، هیچ چیزی تقدس ذاتی نخواهد داشت، زیرا اساساً هیچ چیزی شخصیت ذاتی نخواهد داشت. به خدایان هم صرفاً به منزله منابعی که در خدمت انسان هستند، توجه می‌شود، نه اینکه به آنها گوش سپرده شود تا کسب فیض شود.^{۲۱}

ملاحظه می‌شود که منظور هیدگر از اخلاق معنوی فقط امری در ارتباط با خدا و یا هر نوع موجود متعالی نیست، بلکه به تعبیری حفظ و حراست از وضع طبیعی، اصیل و اولیه امور را در نظر دارد. او به نوعی مفاهیم دیگر از قبیل زمین، آسمان و انسان‌ها را هم در این بحث سهیم می‌کند و اخلاق معنوی را تفکری می‌داند که برخلاف فناوری چنین خطراتی را متوجه مقوله‌های چهارگانه نمی‌کند.

۲-۴-۳. نسبت خدا و اخلاق معنوی

دریغوس معتقد است که هیدگر در چهارچوب تفکر خودش، خدایی را برای اخلاق ذکر می‌کند که درک جدیدی از خداست و شاید تنها نسبت آن با خدای ادیان، غیرمادی بودن آن است. این خدا مثلاً در فستیوال موزیک (Wood stock) مطرح شده است. در این فستیوال نوع موسیقی

21. Cerbone, *Heidegger* (UK: continuum group press, 2008) 161-163.

ارائه شده است که فارغ از اشکال کلاسیک موسیقی درصدد ارائه موسیقی برآمده از فضای بکر و دست‌نخورده و طبیعی است.^{۲۲} بنابراین، روشن می‌شود که نباید دعوت هیدگر به اخلاق معنوی را مبتنی بر تفکر خدامحوری بدانیم.^{۲۳} منظور او از تفکر معنوی امری در مقابل تفکر محاسبه‌گر تکنیکی است که هیچ زمان نمی‌توانسته است مبتنی بر خدای ادیان باشد و هیدگر اساساً چه الهیات فلسفی و چه الهیات مسیحی را نپذیرفته و درباره آن سکوت اختیار کرده است و امروزه هم درباره اعتقاد راستین هیدگر به خداوند نظر روشنی وجود ندارد؛ پس هرگاه او از خدایان سخن به میان می‌آورد باید آن را با محتوای اندیشه خودش، که در نظر گرفتن چهارگانه اوست، فهمید؛ همچنین منظور او از اخلاق معنوی، وام گرفتن از سایر نحله‌های فکری هم نیست. هرچند کاملاً ممکن است که با وجود انکار هیدگر، دست‌کم تا حدود قابل‌اعتنایی از اندیشه‌های شرقی وام گرفته باشد، اما به هر حال خود هیدگر منکر این وام گرفتن است. وقتی او از تغییر تفکر، صحبت می‌کند به‌صراحت اشاره می‌کند منظور وی اقتباس از ذن‌بودیسم یا دیگر تجارب شرقی نیست، بلکه آن را از طریق کمک گرفتن از سنت‌های تفکر اروپایی و بازاندیشی آنها می‌داند و به اعتقاد او یک تفکر را فقط تفکری می‌تواند دگرگون سازد که از همان منشأ باشد و به‌طور مشخص در گرایش ناسیونالیستی، این وظیفه را بر عهده آلمانی‌ها می‌داند.

۲-۴-۴. طریقه زندگی روستایی و اخلاق معنوی

با در نظر گرفتن موضعی که هیدگر به فناوری دارد، شاید بتوان محمل دیگری برای اخلاق وجودی هیدگر یافت. او ابزار سنتی و طریقه روستایی زندگی کردن را با جوامع فناورانه مدرن مقایسه می‌کند و به زندگی روستایی تمایل دارد، چراکه در زندگی روستایی می‌توان به معنای واقعی به امور چهارگانه دست یافت. البته نباید این را صددرصد به حساب حس روستادوستی هیدگر گذاشت. در نظر او، تأکید بر زندگی روستایی چندان اهمیت ندارد؛ نکته مهم، تأکید بر تمایز انکشافی که در زندگی روستایی تبلور دارد و شکل انکشاف فناوری جدید یعنی به معارضه خواندن است؛ اما در هر حال این پرسش باقی است که آیا زندگی روستایی و ارزش‌های آن می‌تواند راه حل خرسندکننده‌ای برای مواجهه با فناوری باشد؛ و اساساً چنین دیدگاهی تا چه حد مفید می‌تواند باشد؛ آیا هیدگر چنین نگاهی را قابل توصیه می‌داند؟

شاید به همین دلیل هم باشد که دیگرانی مانند برگمن کوشیده‌اند تا جایگزینی برای مرجعیت زندگی روستایی بیابند و به همین دلیل «تجربیات مهم (Focal experiences)» و جشن‌های

22. H.L. Dreyfus, "Heidegger on connection between nihilism, art, technology and politics", in *the Cambridge companion to Heidegger* (US: Cambridge university press, 2006), 345-373.

23. John D Caputo, "Heidegger and Theology", In *The Cambridge Companion to Heidegger* (UK: Cambridge university press, 2003) 373.

گروهی را جایگزین کرده‌اند. به نظر برگمن، تجربیات مهم، نقش محوری و پرمعنا در شکل‌گیری ارزش‌های ما دارند که از طریق ابزار فناوری به کار گرفته می‌شوند.^{۲۴} در این چهارچوب، گروه‌های اجتماعی می‌توانند با تشکیل گروه‌های ویژه و برگزاری جشن‌ها، مناسک و مراسم‌های خاص، تجربیاتی منحصر به فرد را برای خود ثبت کنند و فارغ از محیط تکنیک‌زده امروز، فضایی را برای رهایی از شرایط تکنیک برای آنها فراهم می‌کند.

۲-۵. نقدها و تفسیرهای معاصر از شیوه مواجهه هیدگر با اخلاق

بر اساس آنچه گفته شد، روشن است که هیدگر مستقیماً به تدوین نظام اخلاقی به معنای کلاسیک نمی‌پردازد، اما آثار اخلاقی دیدگاه او بازتاب گسترده‌ای در فضای فلسفه معاصر داشته و واکنش‌های متفاوتی را برانگیخته است. برخی متفکران او را متهم به بی‌تفاوتی اخلاقی و حتی زمینه‌ساز نوعی بی‌مسئولیتی دانسته‌اند، در حالی که گروهی دیگر، او را الهام‌بخش بازاندیشی در مورد اخلاق فراتر از چهارچوب‌های مدرن دانسته‌اند. در این بخش سه جریان مهم در تفسیر و نقد اخلاقی هیدگر بررسی می‌شود.

۲-۵-۱. لویناس: فقدان «دیگری» در اخلاق هیدگر

امانوئل لویناس، یکی از صریح‌ترین منتقدان اخلاقی هیدگر است. او معتقد است که فلسفه هیدگر با تمرکز بر هستی و دازاین از بنیاد نسبت به «دیگری» بی‌توجه است. لویناس در آثار خود به ویژه تمامیت و بی‌نهایت، اخلاق را نه در رابطه با هستی، بلکه در رابطه من با دیگری می‌بیند؛ جایی که چهره دیگری، مرا فرا می‌خواند، مسئول می‌کند و پیش از هر شناخت یا اراده، مرا مقید می‌سازد.

از دید لویناس، دازاین هیدگر هرگز به‌طور ریشه‌ای با دیگری به‌مثابه امری متعالی روبه‌رو نمی‌شود، بلکه در افق وجود خویش، محصور می‌ماند. به همین سبب، اخلاق در فلسفه هیدگر یا حذف شده یا به تجربه‌ای خودبسندة تقلیل یافته است.^{۲۵} برخی مفسران، سکوت هیدگر درباره هولوکاست و نزدیکی او به نازیسم را در پیوند با همین بی‌تفاوتی وجودی تفسیر کرده‌اند.

۲-۵-۲. هابرماس: هیدگر و بحران گفت‌وگو

هابرماس، هیدگر را متفکری «پسااخلاقی» می‌نامد که با نفی بنیان‌های عقلانی و بین‌ذهنی اخلاق، راه را بر مسئولیت عمومی و کنش ارتباطی می‌بندد. از دیدگاه هابرماس، فلسفه باید بستری برای تفاهم، گفت‌وگو و عقلانیت میان‌ذهنی فراهم کند؛ در حالی که هیدگر این امکان را با پافشاری

24. Val Dusek, *Philosophy of Technology: An Introduction* (US and UK: Wiley-Blackwell, 2007), 127.

۲۵. مهدی خبازی و صفا سبتی، مسئولیت در برابر مرگ دیگری: بنیاد سوژه در فلسفه لویناس (تهران: غرب‌شناسی بنیادی، ۱۳۹۵)، ۲۱-۱.

بر فردیت، تنهایی و سکوت دازاین تخریب می‌کند. به‌ویژه، تمرکز هیدگر بر «تصمیم‌گیری اصیل» بدون هرگونه تعهد اجتماعی یا امکان گفت‌وگوی انتقادی از دید هابرماس، اخلاق را از عدالت، حقوق و گفت‌وگو تهی می‌کند. به همین سبب، هابرماس از ضرورت بازگشت به اخلاق ارتباطی در برابر اخلاق وجودی هیدگر دفاع می‌کند.^{۲۶}

۲-۵-۳. چارلز تیلور: امکان بازخوانی اخلاقی از هیدگر

چارلز تیلور در موضع میانجی، می‌کوشد تا امکان بازیابی ارزش‌های اخلاقی در فلسفه هیدگر را نشان دهد. از دید تیلور، هرچند هیدگر مستقیماً به تدوین اخلاق نمی‌پردازد، مفاهیمی چون اصالت، وجدان، گشودگی و پاسخ به فراخوان وجود، ظرفیت‌هایی برای اخلاق‌ورزی به‌ویژه در جهانی که بنیادهای اخلاق در آن تضعیف شده است به وجود می‌آورد. تیلور معتقد است که تفکر هیدگر به ما امکان می‌دهد تا اخلاقی درونی، غیرابزاری و وجودی بیندیشیم؛ اخلاقی که در آن، فرد نه به اجبار قانون، بلکه از طریق درک از خویشتن، دیگری و جهان، دست به انتخاب می‌زند. در این خوانش، فلسفه هیدگر، بستری برای بازاندیشی درباره «معنای زندگی اخلاقی» در شرایط پست‌مدرن فراهم می‌کند.^{۲۷}

۳. بحث و نتیجه‌گیری

پرسش اصلی مقاله آن بود که آیا در اندیشه مارتین هیدگر می‌توان از چیزی به نام «اخلاق» سخن گفت؛ با وجود آنکه وی هرگز به تدوین نظریه‌ای اخلاقی پرداخته است. با مرور بنیان‌های فلسفی هیدگر روشن شد که وی از اصطلاحات رایج اخلاقی اجتناب می‌کند، اما در عمق آثارش مفاهیم بنیادینی چون اصالت، آزادی، مسئولیت، وجدان، وارستگی، مرگ و گشودگی به هستی را مطرح می‌کند که دارای ابعاد اخلاقی آشکار هستند. اخلاق در تفکر هیدگر برخلاف سنت‌های هنجاری مبتنی بر قانون و عقل، نه در تبعیت از نظام‌های کلی، بلکه در پاسخ دازاین به فراخوان وجود، معنا می‌یابد. این اخلاق بر «نحوه بودن» انسان در جهان تمرکز دارد و نه بر گزاره‌های ارزشی از پیش داده‌شده. به عبارت دیگر، اخلاق در فلسفه هیدگر به پاسخگویی وجودی تبدیل می‌شود که نوعی رابطه بیدار، حساس و اصیل با امکان‌های هستی خویش است. هیدگر نه تنها اخلاق را طرد نمی‌کند، بلکه آن را به سطحی ژرف‌تر و پدیدارشناسانه منتقل می‌کند. اخلاق هیدگر بر تجربه زیسته، مسئولیت آگزیستانسیال، مراقبت، سکوت و فهم فناپذیری استوار است. این رویکرد گرچه با اخلاق

۲۶. فصل‌های ۶ و ۷ به نقد اندیشه هیدگر می‌پردازد.

J. Habermas, *The Philosophical Discourse of Modernity* (MIT Press, 1987).

۲۷. فاطمه صادقی گیوی، اخلاق اصالت (قم، روش‌شناسی علوم انسانی، ۱۳۸۱)، ۱۷۱-۲۰۲.

کلاسیک تفاوت بنیادین دارد، پاسخی نو به بحران‌های اخلاقی در عصر فناوری، بی‌معنایی و بحران بنیادها ارائه می‌دهد. بنابراین، پاسخ به پرسش اصلی مقاله، مثبت است و می‌توان اخلاق هیدگری داشت که از جنس اخلاق وجودی، مراقبتی و گشوده به هستی است. اخلاق در افق پسماتافیزیکی اندیشه هیدگر، چیزی شبیه به «بودن اخلاقی» به جای «اخلاق بودن» است. در این وضعیت، اخلاق از قواعد سلبی و ایجابی عبور کرده است و به شیوه بودن در جهان، به گشودگی به هستی و به مراقبت از خویشتن و دیگری تبدیل می‌شود. این رویکرد، افق‌هایی تازه برای اخلاق معاصر می‌گشاید؛ به‌ویژه در جهانی که مفاهیم سنتی اخلاق، قدرت خود را از دست داده‌اند.

هیدگر درگیر مفهوم هستی است و هستی هم خدا نیست و خدایی که گاهی اوقات در آثار متأخر هیدگر ملاحظه می‌شود باید در چهارچوب چهارگانه‌ای که هیدگر در نظر می‌گیرد، فهمیده شود و به‌هیچ‌وجه نمی‌توان آن را با خدای ادیان مقایسه کرد. بر این اساس، می‌توان منش اخلاقی هیدگر در مواجهه با فناوری را اینگونه تبیین کرد:

۱. به جای اخلاق، مفهوم تفکر معنوی، مبنای مواجهه صحیح با فناوری است و مهم‌ترین شاخصه تفکر معنوی این است که از ما می‌طلبد در مقام تفکر یکسره و مطلق به مفهوم واحد نجسیم و تا آخرین مرحله، تفکر را به‌طور تک خطه دنبال نکنیم. تفکر معنوی از ما می‌خواهد خود را در تفکر، متعهد و مشغول به آن چیزی کنیم که در بادی نظر هرگز ناشدنی است و به سامان نمی‌رسد، اما این راه آن قدر نزدیک است که همه ما به‌آسانی از آن چشم می‌پوشیم. تفکر معنوی این نسبت را فقط به‌منزله امری که از وجود به خود او اعطا گشته است به وجود عرضه می‌کند.

به نظر می‌رسد این مطلب تا اینجا ابهامی ندارد، اما ابهام زمانی ایجاد می‌شود که در برخی تعابیر با این موضع مواجه می‌شویم که هیدگر تفکر تکنیکی را به‌کلی جدا از مقام اندیشه و تفکر می‌داند و در برخی موارد چنان به تفکر تکنیکی می‌تازد که آن را از هر نوع تفکر و اندیشه‌ای دور می‌داند.

۲. وقتی سخن از تفکر است، ارتباط زبان با تفکر در شاعری برای هیدگر قابل توجه است؛ اما هرچقدر هم هیدگر بر ویژه بودن شاعری و جایگاه ویژه آن تأکید می‌کند، که شعر تفکر را می‌سراید، نمی‌توان درباره شاعری، چنان جایگاه رفیعی، که مدنظر هیدگر است، ملاحظه کرد. شاید شعر این توانایی را داشته باشد که بسیاری از مفاهیم و حقایق را برای ما بازگو کند، اما به نظر می‌رسد شعر قاصر از این باشد که رسالت بزرگی را در ایجاد تفکر بر عهده بگیرد که شخص، سخت‌گیری مانند هیدگر در مورد تفکر متوقع است.

۳. هیدگر طبق چهارگانه معروف خود، دوران تکنیک را دوران فقدان خدایان می‌داند و به همین دلیل، موقعیت انسان را در مواجهه با تفکر تکنیکی دشوار می‌داند، چراکه انسان تکنیک‌زده

از تفکر وجودی فاصله گرفته است و این در حالی است که فقط از طریق تفکر وجودی است که اندیشه در باب ذات امر قدسی و مواجهه درست با فناوری ممکن است؛ بنابراین دعوت هیدگر به تفکر معنوی را نباید مبتنی بر تفکر خدامحوری بدانیم، چراکه منظور او از تفکر معنوی، تفکری در مقابل تفکر محاسبه‌گر تکنیکی است که هیچ زمان نمی‌توانسته است مبتنی بر خدای ادیان باشد. به همین دلیل پیوند زدن این مباحث با آموزه‌های عرفانی، چندان موجه نمی‌نماید.

۴. دریفوس معتقد است که هیدگر در چهارچوب تفکر خودش، خدایی را ذکر می‌کند که درک جدیدی از خداست و شاید تنها نسبت آن با خدای ادیان، غیرمادی بودن آن است. بر این اساس، می‌توان ملاحظه کرد که اگرچه تفکر معنوی هیدگر مشتمل بر خدای ادیان نیست، تفاوت کافی با نگاه‌های مادی دارد. شاید به همین دلیل است که در جامعه ما هم برخی تفسیرهای عرفانی از تفکر معنوی هیدگر ارائه می‌دهند و او را در قد و اندازه یک شخصیت عرفانی ملاحظه می‌کنند که البته به نظر نگارنده این برداشت از تفکر هیدگر ناصحیح است و بنابر توضیحاتی که داده شد از فضای فکری و فلسفی هیدگر فاصله جدی دارد.

۵. تیلیش در بیان نسبت معنویت و فناوری یا به تعبیر خودش دین و فناوری، تفاوت زیادی با هیدگر دارد. نگاه مستقل تیلیش که در یک فاصله‌گیری روشن از اندیشه هیدگر است، این است که در نهایت، فناوری می‌تواند زندگی را به سمت مثبت، که همان زندگی دینی است، هدایت کند. در مقام مقایسه اندیشه هیدگر با تیلیش باید گفت که در اندیشه هیدگر اساساً فناوری در مسیر جدایی و دوری از تفکر معنوی قدم برمی‌دارد، اما در دیدگاه تیلیش حتی می‌توان فناوری را به منزله راهی برای دستیابی به تفکر دینی به حساب آورد.

این تفاوت تا حدودی می‌تواند موضع ما را در بیان نسبت میان فناوری و دین روشن کند؛ به این صورت که اساساً تفکر معنوی به معنای مدنظر هیدگر چندان قابل جمع با فناوری نیست و اگر با ملاحظاتی که ذکر شد به دنبال یافتن نگاه هیدگر در نسبت میان معنویت و فناوری باشیم، در مجموع باید از نظر او فناوری را سست‌کننده و تضعیف‌کننده دین بدانیم، چراکه راه‌هایی که فناوری برای هستی بشری می‌گشاید، دور از راه‌های پیموده‌شده بشر در طریق دین و معنویت است و فناوری شرایطی را پدید آورده است که دیگر هیچ چیزی تقدس ذاتی نداشته باشد. البته هیدگر خود در این مورد اظهارنظری نکرده است، اما این برداشت به‌روشنی از مبنای تفکر هیدگر قابل استنباط است.

۶. هیدگر به زندگی روستایی تمایل دارد، چراکه به نظر او در زندگی روستایی می‌توان به معنای واقعی امور چهارگانه دست یابیم. شاید بتوان این را به حساب حس روستادوستی هیدگر گذاشت؛

اما نکته مهم در اندیشه هیدگر، تأکید بر تمایز انکشاف میان شکل فرآوردن است که در زندگی روستایی تبلور دارد و این در مقابل شکل انکشاف فناوری جدید، یعنی به معارضه خواندن قرار می‌گیرد؛ اما در هر حال این سؤال باقی است که آیا زندگی روستایی و ارزش‌های آن می‌تواند به‌عنوان راه حل خرسندکننده‌ای برای مواجهه با فناوری باشد.

به همین دلیل دیگرانی مانند برگمن کوشیده‌اند جایگزینی برای مرجعیت زندگی روستایی بیابند و «تجربیات مهم» و جشن‌های گروهی را جایگزین کرده‌اند. به نظر برگمن، تجربیات مهم نقش محوری و پر معنا در شکل‌گیری ارزش‌های ما دارند که از طریق ابزار فناورانه به کار گرفته می‌شوند. گروه‌های اجتماعی می‌توانند با تشکیل گروه‌های ویژه و برگزاری جشن‌ها، مناسک و مراسم‌های خاص، تجربیاتی منحصر به فرد را برای خود ثبت کنند و فارغ از محیط تکنیک‌زده امروز، فضایی را برای رهایی از شرایط تکنیک برای آنها فراهم می‌آورد.

۷. هیدگر در مواردی به شدت علیه فناوری می‌آشوبد. در موارد دیگری مانند مقاله «وارستگی» طوری درباره فناوری صحبت می‌کند که گویا اساساً انتقاد جدی بر فناوری ندارد و تأکید می‌کند که می‌توانیم هم بهره‌گیری ضروری از ابزار صنعتی را اثبات کنیم و هم حق سلطه خود را بر آن و نیز تغییر و تخریب و اتلاف طبیعت را نفی کنیم. در برخی موارد دیگر مانند مصاحبه با مجله اشپیگل به نظر می‌رسد که نظری میانه دارد و بیان می‌کند که بدبینی و خوش‌بینی در عرصه [تبیین فناوری] موضع‌گیری نارسایی است.

به نظر می‌رسد مورد اخیر، قرابت بیشتری با نظرگاه هیدگر دارد و موارد پیشین را باید به نوعی حمل بر مورد اخیر کرد و عقیده درست در این باب این باشد که هیدگر نه خوش‌بین است نه بدبین، بلکه او بیش از هر چیز، ذات فناوری را شایسته اندیشه و تأمل می‌داند و تصریح می‌کند که من هرگز بر ضد تکنیک سخن نگفته‌ام...، بلکه کوشش می‌کنم ماهیت (ذات) تکنیک را بفهمم.

سخن آخر اینکه هر چه هیدگر در مقام بیان نسبت میان فناوری و اخلاق گفته است تا حدود قابل توجهی توانسته است وضعیت جامعه غربی در مواجهه با فناوری را توضیح دهد؛ اما دعوت هیدگر به تفکر و سلوک معنوی در بستر خاصی شکل می‌گیرد که صحیح نخواهد بود آنطور تصور شود که تفکر معنوی و راه حل ارائه‌شده توسط هیدگر، تفکری عرفانی یا نزدیک به آن براساس ادراکی است که عموماً ما از عرفان داریم. تفسیر هیدگر توانسته است غفلت اندیشه غربی از امور غیرمادی را روشن کند، اما این تفسیر، بیانگر نسبت فناوری و اخلاق به معنایی که عموماً می‌فهمیم، نیست.

سیاهه منابع

الف-منابع فارسی:

- برنشتاین، ریچارد. «تکنولوژی و منش اخلاقی»، ترجمه یوسف اباذری. ارغنون، شماره ۱ (۱۳۹۴).
- بیدهندی، محمد، بیت‌اله ندرلو، و محمد جواد صافیان. «تفکر معنوی در عصر گشتل»، روش‌شناسی علوم انسانی، شماره ۹۹ (تابستان ۱۳۹۸): ۵۷-۷۲.
- مک ورتز، جان. «گناه تکنولوژی مدیریت: دعوت هیدگر به تفکر» در: فلسفه و بحران غرب، ترجمه محمدرضا جوزی. تهران: انتشارات هرمس، ۱۳۹۳.
- ویسر، ریشارد. «گفتگو با مارتین هیدگر، ترجمه شرف‌الدین خراسانی»، بخارا، شماره ۵ (فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۸): ۶۱-۶۸.
- خبازی، مهدی، و صفا سبطی. «مسئولیت در برابر مرگ دیگری: بنیاد سوژه در فلسفه لویناس»، غرب‌شناسی بنیادی ۷، شماره ۲ (۱۳۹۶): ۱-۲۱.
- صادقی گیوی، فاطمه. «اخلاق اصالت»، روش‌شناسی علوم انسانی، شماره ۳۰ (بهار ۱۳۸۱): ۱۷۱-۲۰۲.
- طباطبایی، مرتضی. «امکان استخراج اخلاق فناوری از اندیشه و عمل مارتین هیدگر»، فصلنامه اخلاق، شماره ۲۰ (زمستان ۱۳۹۴): ۲۷۹-۳۰۹.
- هیدگر، مارتین. «خطابه یادبود»، ترجمه محمدرضا جوزی، نشریه معارف، شماره ۲ (۱۳۶۵).
- هیدگر، مارتین. تفکری دیگر. ترجمه محمد مددیپور. تهران: انتشارات مرکز مطالعات شرقی فرهنگ و هنر، ۱۳۷۴.
- هیدگر، مارتین. عصر تصویر جهان، در راه‌های جنگلی. ترجمه منوچهر اسدی. تهران: انتشارات درج، ۱۳۷۸.
- هیدگر، مارتین. «وارستگی: گفتاری در تفکر معنوی» در: فلسفه و بحران غرب، ترجمه محمدرضا جوزی. تهران: انتشارات هرمس، ۱۳۹۳.
- هیدگر، مارتین. چه باشد آنچه خوانندش تفکر. ترجمه سیاوش جمادی. تهران: انتشارات ققنوس، ۱۴۰۱.
- هیدگر، مارتین. معنای تفکر چیست؟. ترجمه فرهاد سلمانیان. تهران: نشر مرکز، ۱۴۰۱.
- گینیون، چارلز. بی. «اخلاق اصالت هیدگر»، ترجمه جلیل یعقوب اف، نامه فرهنگ، شماره ۵۳ (پاییز ۱۳۸۳): ۷۵-۷۳.
- یزدانی، عباس، و مهدی پاک‌نهاد. «پرسش از نسبت اخلاق و دین در اندیشه هیدگر»، جستارهای فلسفه دین ۴، شماره اول (بهار و تابستان ۱۳۹۴): ۳۹-۵۶.

ب-منابع لاتین:

- Caputo, John D. "Heidegger and Theology." In *The Cambridge Companion to Heidegger*. UK: Cambridge university press, US, 2003.
- Cerbone. *Heidegger*. UK: continuum group press, 2008.
- Dreyfus, H.L. "Heidegger on connection between nihilism, art, technology and politics." In *the Cambridge companion to Heidegger*, 345-73. US: Cambridge university press, 2006.
- Dusek, Val. *Philosophy of Technology: An Introduction*. US and UK: Wiley-Blackwell, 2007.
- Habermas, J. *The Philosophical Discourse of Modernity*. MIT Press, 1987.
- Reid, James D. *Heidegger's Moral Ontology*. Cambridge University Press, 2018. 62-625.